

عیسی و برادران او

¹ و بعد از آن عیسی در جلیل می‌گشت زیرا نمی‌خواست در یهودیه راه رود چونکه یهودیان قصد قتل او می‌داشتند.² و عید یهود که عید خیمه‌ها باشد نزدیک بود.

³ پس برادرانش بدو گفتند: از اینجا روانه شده، به یهودیه برو تا شاگردانت نیز آن اعمالی را که تو می‌کنی ببینند.⁴ زیرا هر که می‌خواهد آشکار شود، در پنهانی کار نمی‌کند. پس اگر این کارها را می‌کنی، خود را به جهان بنما.⁵ زیرا که برادرانش نیز به او ایمان نیاورده بودند. آنگاه عیسی بدیشان گفت: و قتمن هنوز نرسیده، اما وقت شما همیشه حاضر است.⁷ جهان نمی‌تواند شما را دشمن دارد و لیکن مرا دشمن می‌دارد زیرا که من بر آن شهادت می‌دهم که اعمالش بد است.⁸ شما برای این عید بروید. من حال به این عید نمی‌آیم زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است.⁹ چون این را بدیشان گفت، در جلیل توقف نمود.

عیسی تعلیم می‌دهد در معبد اورشلیم

¹⁰ لیکن چون برادرانش برای عید رفته بودند، او نیز آمد، نه آشکار بلکه در خفا.¹¹ اما یهودیان در عید او را جستجو نموده، می‌گفتند که: او کجا است؟¹² و در میان مردم درباره او همه‌به‌همه بسیار بود. بعضی می‌گفتند: که مردی نیکو است و دیگران می‌گفتند: نی بلکه گمراه کننده قوم است.¹³ و لیکن به سبب ترس از یهود، هیچ‌کس درباره او ظاهراً حرف نمی‌زد.

¹⁴ و چون نصف عید گذشته بود، عیسی به معبد آمده، تعلیم می‌داد.¹⁵ و یهودیان تعجب نموده، گفتند: این شخص هرگز تعلیم نیافته، چگونه کتب را می‌داند؟¹⁶ عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من.¹⁷ اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود سخن می‌رانم.¹⁸ هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بُود و اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد، او صادق است و در او ناراستی نیست.¹⁹ آیا موسی تورات را به شما نداده است؟ و حال آنکه کسی از شما نیست که به تورات عمل کند. از برای چه می‌خواهید مرا به قتل رسانید؟

²⁰ آنگاه همه در جواب گفتند: تو دیو داری! که اراده دارد تو را بکشد؟²¹ عیسی در جواب ایشان گفت: یک عمل نمودم و همه شما از آن متعجب شدید.²² موسی ختنه را به شما داد نه آنکه از موسی باشد بلکه از اجداد و در روز سبت مردم را ختنه می‌کنید.²³ پس اگر کسی در روز سبت مخون شود تا شریعت موسی شکسته نشود، چرا بر من خشم می‌آورید از آن سبب که در روز سبت شخصی را شفای کامل دادم؟²⁴ بحسب ظاهر داوری مکنید بلکه به راستی داوری نمایید.

²⁵ پس بعضی از اهل اورشلیم گفتند: آیا این آن نیست که قصد قتل او دارند؟²⁶ و اینک، آشکارا حرف می‌زند و بدو هیچ نمی‌گویند. آیا رؤسا یقیناً می‌دانند که او در حقیقت مسیح است؟²⁷ لیکن این شخص را می‌دانیم از کجا است، اما مسیح چون آید هیچ‌کس نمی‌شناسد که از کجا است.

²⁸ و عیسی چون در معبد تعلیم می‌داد، ندا کرده، گفت: مرا می‌شناسید و نیز می‌دانید از کجا هستم و از خود نیامده‌ام بلکه فرستنده من حق است که شما او را نمی‌شناسید.²⁹ اما من او را می‌شناسم زیرا که از او هستم و او مرا فرستاده است.³⁰ آنگاه خواستند او را گرفتار کنند ولیکن کسی بر او دست نینداخت زیرا که ساعت او هنوز نرسیده بود.³¹ آنگاه بسیاری از آن گروه بدو ایمان آوردند و گفتند: آیا چون مسیح آید، معجزات بیشتر از اینها که این شخص می‌نماید، خواهد نمود؟

³² چون فریسیان شنیدند که خلق درباره او این همه‌به‌همه می‌کنند، فریسیان و رؤسای گهته خادمان فرستادند تا او را بگیرند.³³ آنگاه عیسی گفت: اندک زمانی دیگر با شما هستم، بعد نزد فرستنده خود می‌روم.³⁴ و مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و آنجایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد.³⁵ پس یهودیان با یکدیگر گفتند: او کجا می‌خواهد برود که ما او را نمی‌یابیم؟ آیا اراده دارد به سوی پراکندگان یونانیان رود و یونانیان را تعلیم دهد؟³⁶ این چه کلامی است که گفت: مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و جایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد؟

³⁷ و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: هر که تشنه باشد نزد من آید و

بنوشد.³⁸ کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.³⁹ اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح‌القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود.

اختلاف در میان جمعیت

⁴⁰ آنگاه بسیاری از آن گروه، چون این کلام را شنیدند، گفتند: در حقیقت این شخص همان نبی است.⁴¹ و بعضی گفتند: او مسیح است. و بعضی گفتند: مگر مسیح از جلیل خواهد آمد؟⁴² آیا کتاب نگفته است که از نسل داود و از بیت لحم، دهی که داود در آن بود، مسیح ظاهرخواهد شد؟⁴³ پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد.⁴⁴ و بعضی از ایشان خواستند او را بگیرند

و لکن هیچ‌کس بر او دست نینداخت.
⁴⁵ پس خادمان نزد رؤسای کهنه و فریسیان آمدند. آنها بدیشان گفتند: برای چه او را نیاوردید؟⁴⁶ خادمان در جواب گفتند: هرگز کسی مثل این شخص سخن نگفته است!⁴⁷ آنگاه فریسیان در جواب ایشان گفتند: آیا شما نیز گمراه شده‌اید؟⁴⁸ مگر کسی از سرداران یا از فریسیان به او ایمان آورده است؟⁴⁹ ولیکن این گروه که شریعت را نمی‌دانند، ملعون می‌باشند.⁵⁰ نیقودیموس، آنکه در شب نزد او آمده و یکی از ایشان بود، بدیشان گفت:⁵¹ آیا شریعت ما بر کسی فتوی می‌دهد، جز آنکه اوّل سخن او را بشنوند و کار او را دریافت کنند؟⁵² ایشان در جواب وی گفتند: مگر تو نیز جلیلی هستی؟ تفحص کن و بین زیرا که هیچ نبی از جلیل برنخاسته است.⁵³ پس هر یک به خانه خود رفتند.